

یکی از جهات اهمیت این کتاب در مباحث مشروطه‌پژوهی این است اگر کسی بخواهد آرای آخوند خراسانی را ببیند می‌تواند از این زاویه کتاب تنبیه‌الامه را هم به عنوان یکی از منابع آرا و دیدگاه‌های آخوند خراسانی در نظر بگیرد، چون تأییدی که آخوند خراسانی نسبت به محتوای تنبیه‌الامه دارد تأیید معمولی نیست بلکه تأیید محکم و سنگینی است



صفوی را درک کرده است ولی اوج جایگاه سیاسی و اجتماعی ایشان مربوط به زمان شاه عباس دوم است که منصب شیخ الاسلامی را در این زمان در اختیار داشته‌اند. ایشان کتاب‌ها و آثاری دارد که از جمله همین کفایه الاحکام است که بسیار هم مورد استناد فقهای شیعه به خصوص شیخ اعظم انصاری است و او از این کتاب بسیار بهره می‌گیرد.

همین ایشان کتابی در باب سیاست و حکومت به رشته تحریر درآورده است به نام «روضه‌الانوار عباسی» که از مهم‌ترین سیاست‌نامه‌های شیعی به شمار می‌آید. یا اگر شما کتاب «عوائد الایام» ملا احمد نراقی را در زمان قاجاریه ببینید، یک عابده مفضل را به بحث ولایت فقیه اختصاص می‌دهد و بحث ولایت مطلقه فقیه را آنجا مطرح می‌کند. یا مرحوم ملا محمد تقی برغانی، صاحب کتاب منهج الاجتهاد، به همین ترتیب بحث ولایت فقیه و بحث‌های سیاسی اسلام را مطرح می‌کند. هم جناب ملا احمد نراقی و هم جناب ملا محمد تقی برغانی از کسانی بودند که در جنگ میان ایران و روس در آن ایام، نقش جدی داشتند و در بسیج مردم و در صادر کردن فتوای جهادی نقش پررنگی داشتند و از نزدیک در جریان امور سیاسی و امور مملکت‌داری قرار داشتند.

لذا مثلاً فرض کنید مرحوم ملا محمد تقی برغانی از جمله کسانی است که بعد از مشاهده وضعیت کشور و شکست ایران در مقابل روس و نابه‌سامانی در اداره حکومت، در دارالخلافه قاجاریه یعنی در تهران، بست می‌نشیند و در کاخ حکومت در مقابل شاه رسماً اعلام می‌کند این نوع از حکومت به جایی نمی‌رسد.

در فقه شیعه داریم که باید فقیه در راس حکومت باشد و باید حکومت به فقیه سپرده شود و ولی فقیه در راس باشد. اگر ولی فقیه در راس باشد کشور آسیب نمی‌بیند و کشور از دست نمی‌رود. البته شاید در آن زمان این سخن یک سخنی بود که برای بسیاری سنگین جلوه می‌کرد اما تجربه تاریخی هم همین را نشان می‌داد.

یعنی کشور ایران کشوری است که در طول تاریخ هر چند وقت یک بار یک تکه از این کشور جدا شده و ضمیمه جای دیگری شده و یا مستقل شده است و تنها در زمان حکومت ولایت فقیه بوده که یک وجب از خاک این کشور جدا نشده است یعنی حتی تا نزدیک‌ترین زمان به زمان حاضر، یعنی زمان محمدرضا پهلوی هم شما می‌بینید مثلاً بحرین را از ایران جدا کردند.

بحرین بخشی از ایران است و جایگاه بحرین را ببینید که آن سوی خلیج فارس است، کنار منطقه شرقی عربستان یعنی منطقه نفتی عربستان قرار دارد و به

به محتوای تنبیه‌الامه دارد تأیید معمولی نیست بلکه تأیید محکم و سنگینی است و به نحوی است که نشان می‌دهد با تمام این محتوا موافق است و دیدگاه ایشان همین دیدگاه است. پس طبیعتاً می‌تواند یکی از منابع دستیابی به دیدگاه‌های آخوند خراسانی در باب مشروطه همین کتاب تنبیه‌الامه باشد.

نکته دیگر این است که این کتاب یکی از مهم‌ترین کتب مکتب اهل بیت (ع) در عرصه سیاست، حکومت و نظام سیاسی اسلام است. البته اینجا یک تذکر فوق‌العاده مهم وجود دارد و آن این که گاهی مواقع فقر مطالعاتی و ناآشنایی درست با اندیشه فقهی شیعه و نگاه استشرافی، یعنی نگاه از زاویه دید مستشرقین، سبب می‌شود حرف‌هایی بزنیم که نادرست باشد. یکی از این حرف‌ها و تصورات غلط این است که کسی تصور کند این اولین متن سیاسی است که یک فقیه شیعه به رشته تحریر درآورده است. این حرف نادرستی است. این حرف نشان‌گر این است که گوینده اطلاع درستی از تاریخ فقه شیعه ندارد. ما در تاریخ فقه شیعه و قبل از تنبیه‌الامه، کتاب‌های دیگری در این عرصه داریم. گاهی مستقلاً فقها ورود کردند و گاهی در ضمن ابحاث مختلف. به‌طور مثال شما می‌بینید که جناب محقق کرکی معروف به محقق ثانی که از بزرگ‌ترین فقهای شیعه است، در باب نماز جمعه رساله‌ای تألیف کرده است. در آنجا بحث‌های مرتبط با ولایت فقیه را مطرح می‌کند. یکی از بحث‌های نماز جمعه این است که در زمان غیبت، نماز جمعه واجب است یا خیر و چه کسی باید این نماز را اقامه کند و این از وظایف چه کسی است چون نماز جمعه از دیدگاه اسلام یک نماز معمولی نیست بلکه جنبه سیاسی، حکومتی و اجتماعی بسیار مهمی دارد.

یا فرض کنید محقق سبزواری که از بزرگ‌ترین فقهای شیعه و معروف به صاحب کفایه است (ما یک کفایه در زمینه فقه داریم که تألیف محقق سبزواری است و یک کتاب کفایه در اصول داریم که تألیف آخوند خراسانی است. ایشان صاحب کفایه فقهی، کفایه الاحکام، است.) دوره شاه عباس

این اشکالات و شبهات پاسخ دهند تا حمایت آنها از مشروطیت، حمایت مشروح و مبتنی بر دیدگاه‌های اصیل اسلامی باشد. چه کسی این کار را انجام دهد؟ شخصیتی همانند میرزای نائینی که در این زمان در دوره پختگی سنی و پختگی علمی قرار دارد و تجربه همکاری تنگاتنگ با میرزای شیرازی در بحث تحریم تنباکو را داشته است. در نوشتن نامه به ناصرالدین شاه نقش داشته و الان هم در بالاترین رده روحانیون شیعه قرار دارد و در تمامی تصمیمات مهم آخوند خراسانی، به مشاور نزدیک او تبدیل شده است.

چنین شخصیتی که از نزدیک با مسائل سیاسی آشنایی و به لحاظ فقهی در جایگاه بسیار بالایی قرار دارد، (در حقیقت درست است که در جایگاه مرجعیت قرار ندارد، در این دوره ایشان هنوز در جایگاه مرجعیت نیست، اما به هر حال در رده دوم بزرگ‌ترین فقهای شیعه قرار دارد) دست به تألیف این کتاب می‌زند.

خود ایشان در مقدمه کتاب، کار خود را از قبیل واجب کفایی می‌داند که با انجام این کار توسط یک نفر، وظیفه از گردن سایرین ساقط می‌شود. به عنوان یک واجب کفایی ایشان وارد این عرصه می‌شود و دست به تألیف می‌زند و کتاب ارزشمند تنبیه‌الامه را که می‌توان گفت مهم‌ترین اثر علمی است که در آن زمان در باب مشروطیت نوشته است را به رشته تألیف درمی‌آورد.

نکته دیگری که وجود دارد این است که این کتاب به تأیید دو تن از مراجع بزرگ در آن زمان یعنی جناب آیت... ملا محمد کاظم خراسانی معروف به آخوند خراسانی و آیت... ملا محمد مازندرانی می‌رسد و هر دو بر این کتاب تقریظ می‌نویسند و در حقیقت محتوای کتاب را مورد تأیید قرار می‌دهند که این هم فوق‌العاده مهم و از جهات مختلف ارزشمند است. یکی از جهات اهمیت این کتاب در مباحث مشروطه‌پژوهی این است اگر کسی بخواهد آرای آخوند خراسانی را ببیند می‌تواند از این زاویه، کتاب تنبیه‌الامه را هم به عنوان یکی از منابع آرا و دیدگاه‌های آخوند خراسانی در نظر بگیرد، چون تأییدی که آخوند خراسانی نسبت